

فاز جدید، انقلابی است در حیات حزبی و دولتی ما

به خاطر به سر رسانیدن پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور

سخنرانی شفاهی ببرک کارمل

در جلسه وسیع هیأت رهبری و قوماندانان قوای مسلح ج.د.ا.

۱۸ جدی ۱۳۶۲

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

رفقا!

امروز غرش توفانزای انقلاب خلق قهرمان افغانستان لرزه بر اندام ارتجاع منطقه، امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین انداخته است. اجازه دهید، یک نگاه مؤجز به اوضاع جهان بیندازیم.

اکنون اوضاع جهان بی نهایت وخیم است. هیچگاهی در جریان سال های بعد از جنگ چنین خطر انفجار به وجود نیامده بود. علت این وضع مشی صریح و آشکارای تجاوزی و ملیتاریستی اداره ایالات متحده امریکاست. محافل ارتجاعی امپریالیستی امریکا و کشورهای ناتو ترتیبات نظامی بیسابقه یی را سریعاً و در مقیاس وسیع رویدست گرفته اند و به طور آشکار آماده گی برای یک جنگ جهانسوز میگیرند. پروگرام گسترش سلاح های کیفیتاً نوین، سلاح های ستراتژیکی هسته یی و تسلیحات عادی و کشاندن مسابقات تسلیحاتی به فضای کیهانی با شدت و سرعت از جانب پیمان ناتو عملی میگردد. هدف عمده این تشدید آماده گی های جنگی و توسعه ذخایر نظامی را، حصول برتری نظامی بر اتحاد شوروی و سایر کشور های عضو پیمان وارسا و بعداً تأمین تسلط بلا منازع بر جهان با تهدید نظامی و توسل به زور تشکیل میدهد. تحلیل دقیق و روشن اوضاع بین المللی موجود و موضوع اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی در ارتباط با سیاست جنگ افروزانه ایالات متحده امریکا و متحدین ناتوی آن در اعلامیه اخیر رفیق ولادیمیرویچ اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و مخصوصاً در اعلامیه مؤرخ بیست و چهار نوامبر ۱۹۸۳ ایشان با صراحت بیان شده است. درین سند سیاسی اراده واحد حزب کمونیست اتحاد شوروی و تمام مردم شوروی و تصمیم

انحراف ناپذیر آنان برای پاسخ گفتن به سیاست خارجی ماجراجویانه اداره ایالات متحده آمریکا و بلاک ناتو تجلی و تمرکز یافته است.

درین رابطه چنانکه یوری ولادیمیرویچ اندروپوف اعلام داشت باید خاطرنشان کرد که اتحاد شوروی مانند گذشته اکنون نیز برای کسب برتری نظامی تلاش نمیورزد و تدابیر متقابل را بر اساس ملاحظات تأمین امنیت خود و متحدین خود اتخاذ میکند. این تدابیر جداً در آن حدودی عملی خواهد شد که ناشی از اعمال تجاوزکارانه و وحشیانه ملیتاریستی ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای عضو ناتو باشد.

اعمال و حرکات ایالات متحده آمریکا در شرق میانه، شرق نزدیک و امریکای مرکزی تنفر و انزجار همه خلقهای صلحدوست جهان را برانگیخته است. در مدیترانه شرقی بحریه بزرگی متشکل از کشتی های طیاره بردار و دیگر کشتی های جنگی متمرکز شده است. در لبنان هزاران نفر عسکر امریکایی خون خلق لبنان را بنا بر مداخله مسلحانه ایالات متحده آمریکا می ریزند. تهدید از جانب ایالات متحده آمریکا و اسرائیل نسبت به سوریه افزایش می یابد. درین اواخر ایالات متحده آمریکا هرچه بیشتر به نیروهای مسلح به منظور دستیابی به اهداف هژمونستی و مغرضانه خود متوسل میگردد. شاهد این امر اشغال وحشیانه گرینادا، تهدید نظامی نیکاراگوا، کیوبای قهرمان و سایر کشورهای حوزه کارابین است.

اوضاع در قاره آسیا نیز هرچه بیشتر متشنج میگردد و همه این اعمال امپریالیستی اوضاع جهان را به عدم استقرار مواجه نموده بر تشنجات شدید می افزاید. همچنین نظام فاشیستی افریقای جنوبی دست به تجاوزات خاینانه علیه انگولا زده است. بنابر سیاست ماجراجویانه ایالات متحده آمریکا این خطر افزایش می یابد که تصادمات منطقه یی کنونی به جنگ وسیعتر مبدل گردد و در نتیجه آتش جنگی شعله ور گردد که برای همه خلقهای جهان عواقب بسیار مهلک و سنگین را در بر داشته باشد. موقف جمهوری دموکراتیک افغانستان در رابطه با این مسایل در اعلامیه های اخیر حکومت و وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان با صراحت بیان شده است.

رفقا!

با خاطر نشان ساختن پیچیده گی عمومی اوضاع بین المللی ما باید از وضع وخیمی که در منطقه به وجود آمده است و نقشی که جمهوری دموکراتیک افغانستان و نیروهای مسلح آن در عرصه بین المللی ایفا میکنند و باید بکنند، به طور انتقادی و اصولی ارزیابی به عمل آوریم. جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی که از جانب ارتجاعی ترین نیروها به سردمداری ایالات متحده آمریکا به پیش برده میشود در واقعیت امر کشور ما را در شرایط مقابله با امپریالیزم آمریکا قرار داده است. توجه به این امر که اکنون افغانستان انقلابی با امپریالیزم آمریکا مواجه میباشد باید در عقول، روح و

وجدان فرد فرد اعضای حزب و مردم افغانستان نفوذ کند و موجب آماده گی عظیم و بزرگ ملی گردد. باید تذکر داد که رهبران ایالات متحده امریکا از ابراز این مطلب شرم ندارند که خابنین ضدانقلاب را که به اعمال ضد وطن دست میزنند با صرف صدها میلیون دالر امریکایی نگهداری، تربیه و مسلح میکنند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه بیانگر واقعی منافع همه مردم افغانستان، آغاز مرحله نوین را در حیات سراسر جامعه ما اعلام داشت. یعنی مرحله تکامل مستقلانه دموکراسی و ترقی اجتماعی. این مطلب موجب خشم و غضب مرتجعین رنگارنگ گردید. حوادث اخیر نشان داد که جنگ اعلان نشده علیه کشور ما بخشی از تعرض عمومی امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا علیه نیروهای صلح و ترقی در سراسر جهان است. باید توجه جدی مبذول داشت که در زنجیر سپاه سیاست تعرضی امریکا، افغانستان موقعیت بس مهمی را دارا میباشد. ما باید نیات شوم ارتجاع و امپریالیزم امریکا و هژمونیزم چین را که در تباری با امپریالیزم جهانی است دقیق، درست و همه جانبه درک کنیم و خود را برای هرگونه قربانی و فداکاری در راه یاسداری از وطن و دفاع از دستاورد های انقلاب ثور، در یک صف وسیع جهانی در سنگر دفاع از صلح، ترقی و آزادی قرار دهیم و چون صخره، استوار و چون کوه ثابت قدم باشیم.

رفقا!

افغانستان در طول تاریخ و بخصوص بعد از انقلاب ثور کشوری صلحدوست بوده است. مردم افغانستان صلح میخواهند، نه جنگ. به همین مناسبت نیز حکومت افغانستان دایماً از حل و فصل صلح آمیز اوضاع ایجاد شده در منطقه طرفداری میکند. اما متأسفانه رهبران و محافل ارتجاعی و دست راستی و نظامیگر بعضی از کشورهای همسایه به این امر تن در نداده و به زور سلاح و کمک های امریکا، افغانستان پر غرور و انقلابی را تهدید میکنند. در چنین شرایطی ما باید با قاطعیت و جدیت تمام بگوئیم که مبارزه به خاطر صلح و رشد مستقل افغانستان بخش مهم مبارزه عمومی نیروهای صلحدوست علیه نیروهای ارتجاع و جنگطلب بوده و تحکیم و پر قدرت ساختن قوای مسلح ما به یقین ضامن پیروزی است. ما باید به خوبی درک کنیم که مشی عمومی ماجراجویانه ایالات متحده امریکا و متحدین آن تهدید واقعی را متوجه همه خلقها ساخته است. بنابراین تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک افغانستان و ارتقای باز هم بیشتر قابلیت جنگی و رزمنده گی نیروهای مسلح آن در عین زمان که وظیفه وطنپرستانه ماست، وظیفه انترناسیونالیستی ما نیز میباشد. برای تحکیم قابلیت رزمنده گی و جنگی ما لازمست بیداری سیاسی، روح رزمنده گی و جنگی، دانش و فن جنگی را ارتقا دهیم. مهارت استفاده از سلاح و تخنیک محاربه وی مدرن را وسیعاً فرا گیریم و طرق پیشبرد عملیات نظامی را در شرایط دشوار جنگی بهبود و تکامل بخشیم. این بدان معناست که باید هر

فرد نظامی، هر فرد و هریک از منسوبین قوای مسلح آزادیبخش افغانستان خصوصیات و کرکتر عالی اخلاقی و رزمی، مردانه گی، شجاعت، دلیری و ایمان خلل ناپذیر به امر حزب و همه خلق افغانستان را در روح، وجدان و شرف خود با تمام آماده گی برای قربانی، قویاً پرورش دهد.

رفقا!

کمیته مرکزی حزب ما تصمیم گرفت جلسه وسیع مشورتی کادر رهبری اردو، خاندوی و نیروهای امنیتی، قوماندانان نظامی و کارکنان سیاسی را در زیر سقف این تالار در مرکز وزارت دفاع افغانستان دعوت کند تا درباره آن که چه باید کرد تا نیروهای مسلح ما مطالبات امروزی وطن ما، منطقه ما، آسیا و سیاره ما یعنی وطن عظیم و بزرگ جهانی ما را برآورده سازند و وظایف انقلاب ثور را جداً اجرا نمایند، تبادل نظر صورت گیرد.

رفقا!

طی چندین جلسه در بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و چه در جلسه بزرگ رهبران حزبی و دولتی در مقر شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان همچنین در جلسه منشی های سازمان های اولیه حزبی و کارکنان سیاسی اردو صحبت مفصلی نموده ام، علی الوصف تکرار ها که به غرض تأکید خواهد بود سعی میکنیم از جهات مختلف به صورت فورمولبندی شده، به شکل تزاها در این جلسه باز هم وظایف خود را مشخص تر سازیم.

بعد از انقلاب ثور، بعد از قیام مسلحانه و قهرمانانه قوای مسلح ما که به اراده مردم ما تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان صورت گرفت، تا کنون و بخصوص بعد از مرحله نوین انقلاب ثور (که زنجیر همبسته انقلاب ثور است) کارهای با اهمیت و بزرگی در کشور ما صورت گرفته است، ولی در برابر ما کارهای بزرگ و بزرگتری باقی مانده است که آنها را باید اجرا کرد. **کارهای مثبتی را که باید رشد و تکامل بخشید میتوان به صورت مؤجز قرار ذیل بر شمرد:**

بزرگترین و عظیمترین امری که تحت رهبری حزب پر افتخار ما انجام شد عبارت بود از سرنگونی تمام اقشار و طبقات ارتجاعی جبار، ستمگر و استثمارگر از لحاظ سیاسی، از بین بردن قدرت ملاکین، فیودالان، اعیان و اشراف و تمام مرتجعین به شمول بیروکرات های فاسد مرتجع نظامی و ملکی که بر اساس رهنمود های نخستین برنامه پرافتخار ما در جریده خلق عملی گردید. قدرت اقشار و طبقات منسوخ از لحاظ سیاسی و تا حدودی اقتصادی، اجتماعی و کلتوری محو و نا بود گردید و حاکمیت خلق و زحمتکشانشان در افغانستان مستقر گشت. این کاری بس عظیم و بزرگست که صورت گرفت. میتوان انقلاب کرد، لیکن باید از انقلاب دفاع کرد. این پیوسته شعار ما بوده است. میتوان

انقلاب کرد، لیکن باید وظایف انقلابی را ایفا کرد و تا به آخر آنرا بی وقفه و به صورت پیگیر ادامه داد.

در افغانستان اصلاحات ارضی که مهمترین وظیفه یا مرکز ثقل انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضدامپریالیستی است تا حدودی تحقق یافت و برای رشد و تکامل بیشتر آن بعضی تعدیلات به وجود آمد. به سر رسانیدن اصلاحات ارضی و آب امروز وظیفه مبرم همه ماست. از لحاظ برخورد به مسایل مهم حزبی در مدت کوتاه ما کارهای با اهمیتی را انجام داده ایم. حزب ما، دولت ما، حکومت ما، قوای مسلح ما، سازمان های اجتماعی ما، جبهه ملی پدروطن ما، داخل یک سیستم طراز نوین گردیده اند. این کار بسیار با اهمیت است. حزب از لحاظ کمیت و کیفیت رشد قابل توجه خود را ادامه میدهد. پروسه رشد حزب برای ما امیدوار کننده و اطمینان بخش است. ما سازمان های اجتماعی و ایجاد گر وسیعی را تأسیس کردیم که شما از آن آگاهی دارید. برای نخستین بار حزب ما در افغانستان جبهه ملی پدروطن را ایجاد کرد، که مبارزه در راه ایجاد آن یکی از اصول مرامی ما منتشره در جریده خلق بود. شما به خوبی میدانید که حزب ما همیشه شعار تشکیل آنرا میداد. در کمتر کشور جهان چنین واقع شده است که بعد از اینکه زحمتکشان قدرت حاکمه سیاسی را به دست میگیرند و حزب پیشاهنگ از کوره راه ها و مد و جزر های پر از خطر گذشته و قدرت سیاسی را احراز نموده باشد، بعداً سازمان های اجتماعی را ایجاد کند و راه اتحاد و وحدت تمام اقشار و طبقات خلق را در یک سازمان وسیع نظیر جبهه ملی پدروطن با هم پیوند دهد. این امر در عده یی از کشورها رخ داده، لیکن بسیار نادر است. این یکی از افتخارات بزرگ حزب ماست. دیروز حزب ما از لحاظ کمیت ضعیف و توأم با پراکنده گی بود. حزب ما ترکیبی از محافل بود و ایجاد یک حزب واحد سازمان داده شده دستاورد با اهمیت عهد ماست. خاطرات عبرت آمیزی نزد همه شما که با وجدان هستید وجود دارد که بر حزب ما بنا بر عوامل مختلف (که خود یک فهرست طولانی است و تحلیل عمیق طبقاتی، اجتماعی و ملی کشور را ایجاب میکند) چگونه و چندین بار انشعابات تحمیل شد، و لیکن سر انجام بعد از مرحله نوین انقلاب ثور این فریاد وجدان فرد فرد اعضای صدیق حزب دموکراتیک خلق افغانستان است که میگویند باید یک حزب مرکب از محافل و فرکسیون ها در یک زمان معین و کوتاه به یک حزب واحد و یکپارچه دموکراتیک خلق افغانستان مبدل گردد و این مرز ها از بین برود. گفته میتوانیم محافل کوچک حزبی مرزهایی را ایجاد کرده بودند و به گفته مردم ما، استخوان شکنی ها وجود داشت. این صحنه های تراژیک در حیات حزب ما باید درس عبرتی برای هر عضو حزب باشد. حزب ما توانست بعد از مرحله نوین انقلاب ثور از این دشواری های وحشتناک سربلند و پیروز بدر آید. اکنون من به شما از طرف بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب

دموکراتیک خلق افغانستان و از طرف خود میگویم که وحدت ارگانیک حزب ما پروسه خود را گام به گام در کادر اصول تعقیب میکند و باید تعقیب کند.

رفقا!

میخواهم یادآوری کنم که ایجاد سازمان های اجتماعی در یک کشور و جامعه عقبمانده که در تار و پود، گوشت و استخوان آن تمام خصوصیات قبیله وی و فیودالی هنوز زنده است و انساج آنرا تخریب میکند، پیروزی بزرگی است. ما توانستیم در وجود سازمان های اجتماعی خود اقشار و طبقات مختلف خلق خود را اعم از جوانان، کارگران، دهقانان، زنان، روشنفکران، قبایل، روحانیون، بورژوازی متوسط به شمول به اصطلاح بورژوازی ملی- که این اصطلاح هم قابل بحث است- و دیگر اقشار و طبقات ملی و دموکراتیک جامعه که به نحوی از انحا تحت درفش سازمان های اجتماعی گردهم جمع شده اند، متحد سازیم. همه آنها به پیشاهنگی و رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جبهه ملی پدروطن گرد آمده اند که نه تنها حزب ما و سازمان های اجتماعی عضو آنست، بلکه فرد فرد اتباع افغانستان که بیش از شانزده سال عمر داشته باشند حق اشتراک در آنرا دارند. خلاصه اینکه حزب ما داخل یک سیستم یا در جهت و تکامل یک سیستم طراز لنینی به پیش میرود. همچنین شورای انقلابی ما و حکومت یا شورای وزیران ما، داخل یک چارچوب و سیستم در وجود اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار گرفته اند. مردم ما بنا بر وجود پاره پی از اشتباهات که تا حدودی ناشی از پروسه طبیعی رشد و تکامل حزب ما بود و بیشتر تحت تأثیر فعالیت های خرابکارانه و تبلیغی ارتجاع منطقه، امپریالیزم و هژمونیزم در برابر انقلاب قرار گرفتند و این را باید همه ما، فرد فرد ما درک کنیم که این یک حقیقت تلخ بود و باید به آن اعتراف کرد. حزب و دولت از مردم از توده های عظیم مردم جدا شده بود، مردم به کوه ها، دشت ها و دره ها فرار کرده و به خارج کشور مهاجرت کرده بودند. بعد از مرحله نوین شالود یا شیرازه احیای اعتماد مردم ما پیرامون حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و انقلاب کشور ایجاد شد. این کار آسان نبود، نباید این را سهل گرفت، این کار، رفقا از جمله کارهای بزرگ شماسست که علی الرغم دشواری ها گام به گام از چندین سال به اینطرف مردم، توده ها و قبایل در نتیجه خط مشی درست شما، گروه گروه به دور حزب و دولت جمع شدند و راه های مفاهمه باز گردید و ده ها هزار نفر از اعضای باندها و سران باند ها به دولت و حکومت تسلیم شدند سلاح بر زمین گذاشتند و به حکومت و حزب وفاداری نشان دادند. این هم در نحو خود در انقلاب های جهان یکی از نمونه های بینظیر است. نباید به فعالیت درین زمینه کم بها داده شود، همچنان علی الرغم دشواری ها و مشکلاتیکه دامنگیر کشور ما، انقلاب ما و جامعه ما بود، از استقرار نسبی در ساحة اقتصادی برخوردار بوده ایم و پیشرفت هایی در عرصه اقتصادی به دست آورده ایم، چه در ساحة زراعت، صنعت ترانسپورت، انرژی و

چه در ساحة تجارت داخلی و خارجی و غیره و غیره. همچنان ما توانستیم تا حدودی معینی ارگانهای محلی حاکمیت دولتی را ایجاد کنیم.

ما میتوانیم با اتخاذ سیاست خارجی معقول و اصولی، پرستیژ انقلاب افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را ارتقا دهیم. ما امروز صدها میلیون انسان کره زمین را در پشتیبانی از انقلاب خود داریم. تمام نیروهای صلحدوست و مترقی جهان و بخصوص کشورهای سوسیالیستی و در راس اتحاد شوروی بزرگ با ماست.

خوب رفقا!

اصلاً در صحبت من با شما تعریف و توصیف کارهای مثبت مطرح نیست. ما و شما امروز به زبان دیگری صحبت خواهیم کرد. باید همه رفقا حتی دماغ ها و عقول شان آماده گی نوینی داشته باشند. طوریکه در تربیون باعظمت کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی به نماینده گی از شما رفقای حزبی و کمیته مرکزی گفته ام، باز هم به این مفهوم اعلام میدارم که هرگاه کمک های بی شایبه، برادرانه و بیغرضانه و صاف و پاک اتحاد شوروی نمی بود، امروز به صورت قطع انقلاب ما مواجه با شکستی فجیع میگشت و افغانستان چندین صد سال به عقب بر میگشت و ارتجاع سیاه وحشتناک وابسته به امپریالیزم در افغانستان مستقر می گشت. ازین جهت همه با فریاد باید بگوییم: سیاس از اتحاد شوروی! (سیاس!)

رفقا!

بعض مستقیم و بعض غیرمستقیم اطلاع خواهند داشت که بنا بر فیصله بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طرح ها و تز های اینجانب مورد قبول قرار گرفته و به من وظیفه داده شده است تا این طرح ها و تزها را به پیشگاه حزب خود ارائه نمایم.

ما یک اصطلاح را از گنجینه ترمولوژی ایدیولوژی طبقه کارگر انتخاب کردیم و آن کلمه فاز است که ما در ارتباط فعالیت های کنونی خود تحت نام فاز جدید آنرا به کار می بریم. من شنیده ام که بعض این فاز را صحیح درک نکرده اند. میگویند خوب آغاز انقلاب ثور، مرحله نوین انقلاب، پس فاز نوین چه هست؟ درین قسمت توضیحاتی به رفقا با استفاده از گنجینه کار بزرگ، خلاق و داهیانۀ ولادیمیر ایلیچ لنین داده میشود.

لنین از لحاظ میتود انتخاب ترم ها کلمه ((مرحله)) را در جهات تاریخی استعمال کرده است. مثلاً شما حتماً رسالۀ ((چه باید کرد؟)) را مطالعه کرده اید. در اخیر آن لنین به این مفهوم میگوید اکنون از مرحله خرده گیری، خرده کاری و محفل بازی باید گذشت و آنرا ترک داد. اکنون گلو ها زیر و بم شده است، رشد جوانی داریم و باید وارد مرحله جدیدی گردیم. **رفقا!** درین نوزده ساله گی حزب که

به مرحله بلوغ رسیده ایم منافع حزب ما ایجاب میکند که کاملاً با برخورد جدید در برابر مسایل آماده باشیم.

از نظر لنین، در رشد جنبش انقلابی و در رشد و تکامل حزب طبقه کارگر به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر مراحل مختلفی وجود دارد که هر مرحله را از لحاظ شرایط زمانی و مکانی، از لحاظ حکم و ضرورت جنبش انقلابی و انقلاب و وظایف حزبی، دولتی و حکومتی باید توضیح کرد و مشخص ساخت و گام به گام، مرحله به مرحله به پیش رفت. **رفقا! کلمه فاز** نباید با آن کلمه یی اشتباه شود که در شرایط سوسیالیزم به کار میرود. **پس فاز جدید یعنی چه؟ فاز جدید** یعنی بهبود کار که شامل یک سلسله پرنسیپ هاست که ما این پرنسیپ ها را به تناسب رشد حزب خود، رشد انقلاب و رشد دولت که خواست خلق، جامعه و مردم ما، خواست جنبش انقلابی جهان و جنبش صلح در جهان است استخراج کردیم. به این مناسبت یکی از برخوردهای قاطع و حتمی ما اینست که بعد از این باید مقامات رهبری حزب از خود شروع کنند. از خود انتقاد نمایند، خود را اصلاح کنند تا تأثیرات عظیم آن در کادرها و صفوف حزب به وجود آید و جوهر فاز جدید که پرنسیپ های آن از لحاظ مقوله ها، از لحاظ ترمنولوژی در پراتیک حزب، انقلاب و دولت بعداً توضیح داده خواهد شد اینست که بعد از این مقامات رهبری حزبی و دولتی از خود آغاز نموده در اعماق صفوف حزبی و مجموع کمپلکس قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در کادر اصول و پرنسیپ به شیوه لنین، بدون در نظر داشت ملحوظات خصوصی و شخصی به انتقادات جدی و صریح بپردازند.

لذا اکنون ما برخورد انتقادی خود را آغاز میکنیم تا دوباره به پرنسیپ های فاز جدید برگردیم.

رفقا!

طوریکه در مقدمه درباره اوضاع سیاسی جهان و مسؤولیت و وظیفه افغانستان خاطر نشان گردید به خاطر داشته باشید که مرکز صحبت امروزی من قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد. اکنون اجازه بدهید، با صراحت لهجه باز هم فورمولبندی شده، با قوای مسلح خود برخورد انتقادی بنماییم. قوای مسلح یعنی اردو، خاندوی و خاد.

راجع به اینکه قوای مسلح ما بخصوص طی چهار سال اخیر چه نقش با اهمیتی را در سرنوشت دولت و جامعه ما ایفا کرده است، میتوان زیاد حرف زد. لیکن یکی از میتود های فاز جدید اینست که ما شعار دادیم آنچه که مثبت است باید رشد و تکامل داده شود و بسیار در مورد آن حرف نمی زنیم. زیرا آن چیزی که درایی مثبت ماست نزد ما موجود است نمیتوان از آن انکار کرد. لیکن بیاییم ببینیم بهبود کار در چیست؟ از جهات ضعف کار و از جهات منفی، مسایل قوای مسلح خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم. وقتی که این مطالب را مورد انتقاد قرار دادیم و از آن نتیجه گیری به عمل آوردیم، به وظایف مبرم و عملی روز تبدیل میشود.

خوب رفقا!

یک مسأله دیگر را هم باید در ارتباط قوای مسلح خاطر نشان ساخت که آیا واقعاً ما با جنگ مواجه هستیم یا نه؟ خوب جنگ ما چگونه جنگ است؟ جنگ عادلانه است، نه غیر عادلانه، درین جنگ عادلانه نیروهای با ایمان راسخ قبل از همه به اصطلاح وطنی ما، سر خود را به کف میگذارند، یعنی آماده میباشند برای آنکه در راه جنگ عادلانه یا جنگ انقلابی عادلانه خود را قربان کنند والسلام.

دیگر هیچ الترناتیف و وریانت وجود ندارد. این حرف بزرگ **لنین** است که در وقت انقلاب با قیام و انقلاب نباید بازی کرد. وقتیکه انقلاب به عمل آمد باید برای انقلاب تمام حزبی ها، تمام نیروهای معتقد به انقلاب آماده باشند که از جان خود بگذرند. درین صورت است که میتوان **فیودالیزم** و **بورژوازی** را سرنگون ساخت و به **سوسیالیزم** نایل آمد.

رفقا! حالا شما انقلاب کردید. بیایید به پیشگاه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بگوییم (کسی که معتقد نیست باید در جای خود بنشیند) آیا حاضر و آماده برای دادن قربانی در راه به پیروزی رساندن جنگ انقلابی عادلانه خلق افغانستان استید یا نه؟ **(همه به پا خاستند، و گفتند: آماده استیم)**

رفقا!

امروز، روز بزرگی است. روز تصمیم است. قبلاً عرض کردم که ما در حال انجام جنگ انقلابی و عادلانه خود استیم. شما اصطلاحات نظامی را خوب میدانید. آیا لازم است که در چنین شرایطی در موضع دفاعی قرار داشته باشیم؟ اکنون که دشمنان در حالت تعرض اند و میخواهند که تمام دستاورد های انقلاب ما را محو و نابود سازند، ما باید از حالت دفاعی به حالت تعرضی بگذریم، این یک اصل مبرم است. اکنون اوضاع و احوال طوری است که باید سه رکن قوای مسلح ما، اردو، خاد و خاندوی، این سیاست پسيف را در اوضاع و احوال و شرایط انقلاب، بعد از امروز، برای ابد کنار بگذارند و به سیاست نظامی تکتیکی اوپراتیوی تعرضی دست بزنند (کف زدن ها).

راجع به پاکستان رفقا آگاهی دارند. اهداف ستراتیژیک استعمار کهنه انگلیس و هم امپریالیزم انگلیس و هم فرزندان خلف آن رژیم های نظامیگر و مرتجع پاکستان در مورد سرزمین مقدس افغانستان بخصوص در شرایط افغانستان انقلابی به همه شما معلوم و آشکار است. خلاصه اینکه بارها تاکید کرده ام و به این جهت تاکید مینمایم که رفقا خود با عقل، روح و وجدان و پوست و گوشت خود این حقایق تلخ را، این چشم های بیشرمانه، حریص، توسعه طلب و رزیلانه ارتجاع منطقه را که به کشور ما و انقلاب ما دوخته شده است، تشخیص بدهند. تا چنین درک و تشخیص وجود نداشته باشد و وظیفه احساس نشود، شاید بگویند که برای چه ما باید جان های خود را قربان کنیم؟ برای وطن تان، برای دفاع از سرزمین پدری و اجداد و نیاکان تان، خلاصه اینکه دعوی پاکستان این است که باید

پشتون ها را در حیطة ظلم و ستم ملی پاکستان یعنی محافل حاکم مرتجع پنجابی، طبقات حاکم مرتجع فیودالی، بورژوازی و بیروکراتیک و جلادان پاکستان قرار دهند. رفقا! ما باید متوجه باشیم که از حرف های من چنین توجیه صورت نگیرد و روح ناسیونالیستی و شؤنیستی در ما تقویه نگردد. باز تکرار میکنم که تمام خلقهای منطقه، خلق ایران، خلق پاکستان و همه خلقهای جهان با هم برادر اند و برادر ما استند. ما هیچگونه خصومت در برابر خلقها نداریم، بلکه دوست و همسنگر خلقها هستیم. لیکن ما دشمن آشتی ناپذیر طبقات حاکم استثمارگر و ستمگر در هر نقطه جهان به هر اسم و رسمی که باشد بودیم، استیم و خواهیم بود. (کف زدن ها). خوب چشم طبقات حاکم جبار پاکستانی به طرف هندوکش میباشد. راجع به هژمونیزم چین هم ما به خوبی آگاه استیم که آنهم به طرف قطعات سرزمین ما چشم دوخته است. امپریالیزم امریکا میخواست و میخواهد که یک پایگاه نیرومند ضد جنبش های آزادیبخش ملی و ضد انقلاب برای سرکوبی انقلاب افغانستان، ضد سوسیالیزم و ضد شوروی در افغانستان ایجاد کند. ببینید هم از لحاظ دفاع از دستاورد های انقلاب ثور، هم به مثابه یک وظیفه ملی و وطنپرستانه دفاع از سرزمین مقدس کشورما، وطن ما و هم به خاطر ایفای وظایف مقدسانتر ناسیونالیستی، ما باید قوای مسلح نیرومندی داشته باشیم، تا بتوانیم ضربات تجاوزکارانه خارجی و ضد انقلاب داخلی را با مشت دندان شکن پاسخ دهیم. (کف زدن ها).

تقویه قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان به مثابه مبرمترین، حیاتی ترین، جدی ترین وظیفه حزبی، دولتی و وطنی ماست. باید در قسمت جلب و احضار با تمام فداکاری، با تمام نیروی حزب و دولت از پایین تا به بالا، با تمام نیروی سازمان های اجتماعی، جبهه ملی پدروطن و قوای مسلح، به مثابه شعار جهاد بزرگ بسیج شویم و باید مسأله جلب و احضار را هرچه زودتر و هرچه سریعتر حل کنیم. هرکسی که درین قسمت کوچکترین سهل انگاری از خود نشان میدهد و هر کسی که بخواد کسی را حمایت کند که از خدمت تحت بیرق فرار کند، آن شخص اگر حزبی است، در هر مقامیکه باشد باید به دادگاه کشانیده شود، به شمول اخراج از حزب و جزای نظامی هنگام جنگ، و کسی که واجد شرایط است و در تحت بیرق خدمت مکلفیت نظامی نمی آید، باید جدی ترین تدابیر را در موردش اتخاذ کرد. از طرف دیگر تمام نیرو های حزب، دولت و قوای مسلح باید بسیج شوند تا تبلیغات بزرگ، همه جانبه و عظیم راجع به این مسأله که خدمت به وطن، خدمت در تحت بیرق قوای آزادیبخش افغانستان، دفاع از انقلاب و آماده گی در برابر هرگونه تجاوزات خارجی وظیفه مقدس تمام فرزندان کشور است و باید با شور و شوق آماده گردند، به راه افتد. کوتاه و مؤجز با حرف نظامی باید مطالب را مطرح ساخت. اینرا باید در نظر گرفت من جداً از رفقای بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی، از شورای وزیران، از هیأت رئیسه شورای انقلابی و از تمام رفقای قوای

مسلح می طلبیم، یعنی اینکه انقلاب می طلبد و خلق ما می طلبد، که همه نیرو ها را، با تمام نکاتی که باید در نظر گرفت، در قدم اول برای تقویۀ کمی قوای مسلح باید به کار برد.

رفقا!

اجازه دهید اعلام بدارم که بنا بر پیشنهاد مقام وزارت دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان، بنا بر تصمیم بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و بنا بر فیصله هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان دو رفیق برجسته ما در مقامات جدید وزارت دفاع تعیین گردیده اند. اکنون در مورد ضرورت اینکه با جرأت و شهامت کادرهای جدید را بیرون بکشیم و به آنها اعتماد کنیم و آنها را تحت آزمایش قرار بدهیم، صحبت می کنم. هرگاه در اجرای وظایف خود موفق باشند همیشه مورد اعتماد حزب و دولت خواهند بود. هر کسیکه در یک پُست و مقام با اهمیت قرار میگیرد، نمیوان تنها برایش تبریک گفت، بلکه باید برایش اعلام کرد که در قبول مسؤولیت جدید موفق و پیروز باشد.

مشی ما این است که جوانان را بیرون بکشیم و آنها را در آزمونگاه تجربه قرار بدهیم. رفیقی که در اجرای وظایف از بوته آزمایش موفق بیرون برآمده همیشه مورد تقدیر و سیاس حزب و دولت و قوای مسلح ما خواهد بود. کسانیکه از خود شایسته گی نشان ندهند، در برابر شان بر اساس پرنسیپ و اصول برخورد جدی صورت خواهد گرفت. (کف زدن ها)

رفقا، باز هم بالای وظایف مبرم و سنگین خود صحبت میکنیم. ما راجع به اهمیت بزرگ جلب و احضار حرف زدیم. باید مقامات رهبری حزبی و دولتی، کمیسیون فوق العاده جلب و احضار و قوای مسلح هرچه زودتر راه های مؤثری را جستجو کنند تا بر اساس آن مدافعین انقلاب، قطعات نظامی قومی داوطلب، ملیشه های سرحدی و دیگر ارگان های مربوط به قوای مسلح به شمول سپاهیان انقلاب از لحاظ کمیت و کیفیت افزایش یابند. باید بتوانیم برای تحقق شعار «بسیج تمام قوت ها» از حرف وارد عمل زنده گردیم.

انقلاب خصوصیات کهنه را از بیخ و بن تغییر داده است. دشمن از خصوصیات دینی، مذهبی و عنعنه وی مردم سوء استفاده میکند. با وسایل رذیلانه و وحشیانه، مردم را تهدید می نماید که برای خدمت نظامی حاضر نشوند و در سنگر دفاع از انقلاب و مردم قرار نگیرند. آیا با وجود همه اینها ما باید سکوت کنیم و در موضع خود آرام بمانیم؟

یا اینکه ما هم تبلیغ علیه تبلیغ دشمن را سخت نیرومند بسازیم. به طور عموم کار ما درین رشته ضعیف است. تبلیغ قوانین از لحاظ جلب و احضار و مکلفیت عمومی عسکری اصلاً کمتر به گوش و چشم میخورد. در مورد این مسایل بیندیشید. ما از تمام مقامات قدرت قضایی و عدلی خود جداً میخواهیم که باید سر از فردا به تبلیغ و ترویج قوانین کشور در مورد جلب و احضار به زبان مردم

آغاز کنند. تا وقتی مردم کشور شعور و درک قانونی را حاصل نکنند هیچگاه موفق شده نمیتوانند که وظایف سنگین خود را انجام دهند.

رفقا!

من جداً خواهش میکنم که باید برخورد تان و بخصوص برخورد اولی تان در برابر سربازان جدیدالورود فوق العاده دلسوزانه، برادرانه، انسانی و بر اساس اخلاق پیشاهنگ طبقه کارگر و خدمتگزار مردم و خلق تنظیم شود. اولین انتباه شما به سرباز جدیدالورود باید درس وفاداری و فداکاری باشد و تبلیغ درست صورت گیرد. اگر برخورد و تبلیغ درست صورت گیرد، اگر سازماندهی درست سیاسی به عمل آید، حتی اگر اجنت های باند ها نیز داخل قوای مسلح گردند میتوان وجدان های آنان را تغییر داد و آنان را به حزب، انقلاب و وطن معتقد ساخت. نمونه این برخورد در تجربه بعد از انقلاب اکتوبر در تجربه مبارزه با ضد انقلاب، در جنگ داخلی و حتی در جنگ کبیر میهنی مردم شوروی فراوان موجود است. لذا رفقا برخورد تان در برابر سربازان جدیدالورود باید درست باشد. باید مرکز تجمع ایجاد کرد. کمیسار ها جداً مسؤولیت های شان را در نظر بگیرند. نماینده گان قوای مسلح، حزب و دولت باید یکجا با هم شرایط بهتر سازماندهی را برای سربازان جدیدالورود تهیه کنند. اگر هم انتقال شان از ولایات و محلات سریعتر صورت نمیگیرد، باید فوراً در همان محل در همان مناطق مراکز تعلیم و تربیه ایجاد شود. اگر شما موفق شوید که تنها و تنها جمع‌نظام را به آنها یاد بدهید، آنها خود به خود زیر اتموسفیر دسپلین نظامی قرار میگیرند و به قوای مسلح افغانستان صادق و وفادار میگردند و بخصوص اگر با این اقدامات تبلیغ و ترویج نیز توأم گردد. این عناصر میتوانند سربازان جدیدالورود را به سپاهیان فداکار و جنگنده در صفوف قوای مسلح مبدل سازند.

یک مسأله دیگر رفقا! لنین میگوید که فرد بیسواد به درد سیاست نمی خورد. تعداد زیادی از قوای مسلح ما را اعضای حزب میسازد و همچنین غیرحزبی های وطنپرست هستند که آنها هم عناصر باسواد اند. اگر در هر بلوک و هر تولی به صورت کتله وی سواد آموزی تعقیب گردد و شعور سیاسی سربازان ارتقا یابد، زهی سعادت. لیکن روی وظیفه هرگاه اعضای حزب و روشنفکران وطنپرست نظامی غیرحزبی تا پنج نفر سرباز، یعنی فرزندان کارگران و زحمتکشان را سواد بیاموزانند، تعداد آنان مجموعاً به صدها هزار نفر میرسد. من از شما سؤال میکنم که آیا این کار عملی است، یا مثلاً به شرایط ذهنی و عینی تعلق دارد؟ آیا میتوان درین زمینه بهانه تراشی کرد؟ این کار فقط به اراده شما، به احساس شما، به احساس مسؤولیت و دلسوزی شما در قبال فرزندان وطن و کشور تان تعلق میگیرد. شما میتوانید منحیث نمونه، چنین مبارزه علیه بیسوادی را توأم با جنگ مسلحانه علیه باندیتیزم به حیث یک جبهه پهلویی و جنبی به پیش ببرید. هدف من از تمام قوای مسلح

جمهوری دموکراتیک افغانستان است. در آن صورت این خود موجب تقویۀ دسپلین، ارتقای شعور سیاسی و نظامی سربازان میشود. راجع به تقویۀ کار سیاسی، من بیش از سه و نیم ساعت در زیر سقف همین تالار با کارمندان سیاسی مفصلاً حرف زدم و ریاست امور سیاسی باید به تمام رفقا قوماندانان ما یک کاپی آنرا بسپارد. من راجع به امور سیاسی بسیار حرف نمیزنم چون قبلاً به تفصیل صحبت صورت گرفته است. لیکن آنچه را میخواهم تأکید بکنم اینست که برای ارتقای شعور سیاسی، طبقاتی و جنگی قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان تنها و تنها کارکنان سیاسی مسئولیت ندارند، قوماندان های قطعات و جزء و تام های متوسط، کوچک و بزرگ نیز مسئولیت را به دوش دارند. در حال حاضر قوماندان ها شانه خالی میکنند و میگویند خوب این وظیفۀ منشی ها است. نخیر رفقا! در پهلوی وظایف نظامی دوش به دوش با معاونان سیاسی و دیگر معاونان و همکاران و صفوف قوای مسلح وظیفۀ قوماندان هاست که در راه ارتقای سطح شعور سیاسی، طبقاتی و نظامی قوای مسلح افغانستان سعی و مجاهدت نمایند. من میخواستم بر همین نکته تأکید بخصوص کنم.

خوب رفقا! جان مسأله در چیست؟ ما شعار دادیم و در فاز نو و در بهبود کار تثبیت کردیم که وحدت اصولی و ارگانیکی حزب بدون استقرار دسپلین نا ممکن است. یعنی دسپلین حزبی و دسپلین دولتی باید در قوای مسلح ما مستقر شود. وحدت و دسپلین از هم جدایی ناپذیر است، بدون این وحدت، هیچ یک از تزهایی که درینجا بیان کردم عملی نخواهد شد. این کلید همه قفل هاست. راجع به وحدت فراوان صحبت صورت گرفته است. لیکن اکنون هر حرف ما در زمینه اینست تا اصل وحدت به صورت یک نیروی مادی در عمل پیاده شود.

در بارۀ وحدت بر اساس تحلیل فاز جدید در جایش از لحاظ موضع حزب باز هم صحبت میکنیم. هدف من از وحدت، وحدت ارگانیکی با دسپلین آهنین نظامی در قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان، در قوای مسلحی که نیرومندترین ضامن پیروزی انقلاب ما و نیرومندترین ضامن دفاع از خاک مقدس ماست، از وطن ماست، از مردم ماست، از انقلاب ماست، میباشد. میخواهم بگویم که بعد از این وحدت شکن! به هر غاری که فرو روی، در زیر زمین یا در آسمان از سر و پایت گرفته خواهد شد. اگر در برابر وحدت قوای مسلح ما در زمانیکه هزاران فرزند ما قربانی و شهید میشوند، قرار بگیری و فراموش کنی که مردم ما در چه آلام زنده گی میکند، کودکان ما، مادران ما، خواهران ما و پدران ما در چه حالی به سر میبرند، نجات نخواهی یافت. ما از موضع ایمان و اطمینان با غرش توفانی اعلام میداریم که دیگر امکان ندارد و اجازه نمیدهیم که به این نام و آن نام منسوخ و زده شده تاریخ، وحدت فشرده حزب ما، وحدت پیشاهنگ خلق ما را برهم زنند (هورا ها)

رفقا!

ایدیولوژی ما یکی است، منشی سیاسی ما یکی است، برنامه عمل ما یکی، کنگرۀ پرافتخار تاریخ ساز

اول ما یکی است و سازمان ما یکی و رهبری ما متحد است. باید در مورد کسانی که در هر گوشه و کنار حزب چون خفاشان به تاریکی پناه میبرند و در تاریکی حرف میزنند سؤالیه پی بزرگ قرار داد که آیا فرزند این وطن اند یا دشمن این وطن؟ حتی نمیتوان نام پرافتخار افغان را بالای چنین اشخاص گذاشت. بنا برین دیگر نباید برای یک لمحہ مجال داد که در داخل قوای مسلح ما محفل بازی، فرکسیون بازی، گروپ بازی، این و آن بازی، سمتگیری و دیگر امراض و انحرافات وجود داشته باشد. باید دسپلین آهنین نظامی اردوی ما، قوای مسلح ما، سنگر به سنگر به طرف پیروزی به پیش برود. اینست فیصله بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و اراده حزب ما. خوب، راجع به وحدت تذکراتی دادم. قوای مسلح حتی تا سال های قابل ملاحظه پی قدرت تعیین کننده سرنوشت انقلاب و مردم ما خواهد بود. راجع به اهمیت هیأت اداری و سیاسی قوای مسلح در اردو و خاندنوی هم میتوان زیاد گفت. لیکن باید هیأت رهبری وزارت دفاع و وزارت داخله ما توجه شب و روز خودرا متوجه تعلیم و تربیت سربازان و کادرهای افسری در زمینه های جنگی، تخریکی و تکتیکی بنمایند. تا کنون درین زمینه برخورد بسیار ضعیف صورت گرفته است.

در اینجا باید سربازان در چارچوب یک پروگرام خاص تحت تعلیم و تربیه قرار بگیرند. ما در همان سیستم کهنه می دیدیم که یکنوع نظم در تعلیم و تربیه وجود داشت، علی الوصف اینکه ما مشاوران و استادان مجرب داریم، اما مثل اینکه تصمیم گرفته ایم که تعلیم و تربیه را ارتقاع نبخشیم. در تعلیم و تربیه باید تمام اشکال و انواع وظایف تعلیمی و تربیتی در نظر گرفته شود. مسلط شدن بر سلاح امر درجه اول میباشد. یعنی باید بالای انواع سلاح های پیاده، توپچی و هوایی مسلط شد و یاد گرفت جنگ در کوه، دره، کوهستان و صحرا ها به چه صورت پیش برده میشود. پراتیک در اراضی میتواند ما را آموزش جدی نظامی بدهد، نه محوطه بسیار محدود داخل گارنیزیون. البته تا جای ممکن باید مسایل امنیتی در نظر گرفته شود. ما باید تجاربی را که در پراتیک زنده گی و در خود جنگ ها به دست می آوریم، ارزیابی و مطالعه کنیم، به دیگران انتقال دهیم. تجارب مجموع کسانی را که در جبهه جنگ شرکت میکنند، جمع بندی نماییم و تعلیم و تربیت خودرا از پراتیک جنگی استخراج کنیم. چنانچه پیشتر اظهار کردم، مسأله جمع نظام، مسأله سوق و اداره صنوف مختلف و پیدا کردن تاکتیک های درست جنگی همه، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ پراتیک، مسایل مربوط به تعلیم و تربیه است. باید درس های شبانه جدی تعقیب شود.

ولادیمیر ایلیچ لنین درین عرصه بر تشکیل نیرومند قوای منظم مسلح قشون سرخ تأکید میورزید. بدون یک قشون منظم، دفاع از انقلاب، تمامیت ارضی و استقلال کشور در شرایط معاصر جهان که روحیه جنگطلبی امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا به طور وحشتناک کسب شدت کرده است و پایگاه های ضد جنبش های انقلابی را در هر جا، به شمول جنوب آسیا ایجاد کرده است، ناممکن

خواهد بود. ما باید دارای اردوی منظم بر اساس اصول اردوهای انقلابی جهان باشیم. لیکن ما هر روز مواجه با جنگ خاصی هستیم که به نام باندیتیزم یاد میشود. باید هرچه بیشتر شیوه جنگ های پارتیزانی، گوریلابی و کوماندویی را تعقیب کرد. البته نیروهای ارتجاعی که به چنین تاکتیک ها دست میزنند، عمل آنها به صورت باندیتیزم، کانگستریزم، یا به شکل باسچی ها در آسیای میانه در زمان انقلاب اکتوبر، به صورتی وحشیانه تبارز مینماید. به این خاطر است که من از هیأت رهبری قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان تقاضا مینمایم که راجع به تاکتیک های نوین جنگی در فاز جدید نه تنها بیندیشند، بلکه هرچه زودتر پلان آنها بر اساس تجارب شش ساله تنظیم نمایند. ما در برابر جنگ باندیتیزم که به شکل قطاع الطریقی در افغانستان جریان دارد و به وسیله باندیت ها و مزدوران امریکایی که آدمکشان حرفه وی هستند، عملی میگردد، مواجه هستیم. آنها اشکال و انواع مختلف سبوتاژ و انفجارات، تخریب ده ها، قریه ها و شهر ها و شیوه های ترور و جنگ را در ده ها، کوهستان ها، در دره ها و صحرا ها می آموزاند.

چند نکته مشخص در باره خارندوی: درین شک نیست که تا مرحله نوین انقلاب ثور وزارت داخله و خارندوی اصلاً به نام وجود داشت. امین نا امین آنرا واژگون کرده و مبدل به یک جلاد خانه ساخته بود. لیکن بعد از آن خارندوی ما از لحاظ کمیت و کیفیت رشد یافت. فهرست کارهای مثبت خارندوی نزد ما موجود است. ما آنرا قدر میکنیم و رشد و انکشاف میدهیم. ولی رفقا نقطه مرگ و زنده گی به طور عموم در قوای مسلح ما چیست؟ شعار ما اینست: حزب همه چیز است. هیچ واحدی از قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان نمیتواند، و ما هرگز اجازه نخواهیم داد که دور از حزب بیندیشد و یا خودسرانه عمل کند. بیروی سیاسی جداً این مساله را تحت مطالعه خود قرار داده است و به آن عمل خواهد کرد که قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان مستقیماً تحت رهبری حزب، کمیته مرکزی آن و در فاصله ها، بیروی سیاسی آن بیندیشد، عمل کند و اجرای وظیفه نماید (کف زدن). رفقا آن طوریکه قانونمندی طبقات و مبارزات طبقاتی است و انسان که کشف داهیانه و خلاق بانیان ایدئولوژی طبقه کارگر که لنین آنرا رشد و تکامل داد و تجارب کشورها و تجربه کشور ما نشان میدهد، هرگاه قوای مسلح به دست ارتجاع و طبقات حاکم ستمگر و استثمار گر بیفتد، علیه خلق افغانستان استعمال میشود و اگر تحت اراده کیف ما یشاو فعال مایشای افراد قرار بگیرد نیز ضد خلق، ضد حزب، ضد دولت، ضد انقلاب و حتی ضد وطن و استقلال کشور استعمال میشود. به کسانی که آگاهانه و نا آگاهانه، شعوری یا غیر شعوری نمیخواهند این مساله را درک کنند اخطار میدهم که باید درک کنند. (کف زدن) هرگاه قوای مسلح که چون شمشیر برانی است علیه طبقات مرتجع و منسوخ تاریخی بخصوص در زمان انقلاب که جنگ طبقاتی کسب شدت میکند و حاد میشود، به دست

حزب باشد، نمیتواند علیه انقلاب، علیه مردم و استقلال کشور و علیه وحدت و دسپلین حزبی و دولتی ما قد علم کند.

رفقا!

بر ارتقای سطح مسؤولیت قرارگاه های زون ها، ولایات، ولسوالی ها و علاقه داری ها تأکید مینمایم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان در زمینه بهبود فعالیت قرارگاه ها در رابطه با توسعه و تحکیم قدرت دولتی در محلات مساعی مشترکی را سازمان داده اند. این موضوع به صورت مؤجز نشان میدهد که بیروی سیاسی و شورای وزیران ما درین زمینه وظایف خود را درک کرده اند. اما هنوز پراکنده گی و ضعف در کار، عدم هماهنگی میان ارگانهای حزبی و دولتی و جزء و تام های قوای مسلح، ضعف در پیشبرد کار سیاسی، تبلیغی و ترویجی میان اهالی، پایین بودن سطح دسپلین اجراییه وی و عدم بازپرسی جدی از کادرهای رهبری درین عرصه موجود است. آمرین زون ها، قرارگاه های ولایات، ولسوالی ها و علاقه داری ها تا هنوز قاطعانه علیه محل پرستی، گروه بندی، فراقسیون بازی مبارزه نکرده اند. بسیاری از تصامیم و فیصله های آنها تحقق نمی پذیرد و به اشخاص مسؤول جزا داده نمیشود، به منظور هماهنگی کار ارگان های حزبی و دولتی و جزء و تام های قوای مسلح و عادی ساختن وضع در کشور، بیروی سیاسی و شورای وزیران تصویب مینمایند که پیشنهاد های کمیسیون کمیته مرکزی حزب، در رأس رفیق کشتمند در مورد تشکیل قرارگاه های زون ها جهت توسعه و تحکیم قدرت دولتی در محلات تأیید است. نماینده با صلاحیت کمیته مرکزی و شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، آمرین زونها، به حیث رؤسای قرارگاه های زونها تعیین میگردد، بیشتر هدف من این نکته است. همچنان در قرارگاه های ولایات، والی ها، در قرارگاه های ولسوالیها ولسوال ها، در قرارگاه های علاقه داریها علاقه دار به حیث رؤسای قرارگاه های مربوط تعیین اند. مسؤولین وزارتخانه ها و ارگان های حزبی و دولتی در محلات مؤظف اند با قرارگاه ها کمک همه جانبه بنمایند، تصامیم قرارگاه ها برای همه اشخاص بدون در نظر داشت موقعیت و مقام شان، بدون چون و چرا قابل اجرا میباشد. این هنوز آغاز کار است. بارها در بیروی سیاسی و شورای دفاع در هیأت رئیسه و کمیته اجراییه شورای وزیران مطرح شده که ما چگونه انضباط کار، انضباط حزبی و دولتی را در محلات تأمین کنیم و بر اساس اصل سنترالیزم دموکراتیک در اوضاع و احوال موجود انقلاب، قاطعیت و برش را در کار به وجود بیاوریم. بعد از سه سال بحث و مذاکره سرانجام به این فورمول موافقه شد. **پلینوم دوازدهم** کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان درباره ارتقای سطح صلاحیت و مسؤولیت قرارگاه ها تأکید نموده تصریح کرد که ثقلت و سنگینی مسؤولیت در محلات، در زون ها و ولایات در وجود قرارگاه هاست. ترکیب این قرارگاه ها منحصیث مجموع شامل والی ها، منشی کمیته

حزبی، نماینده اردو، نماینده خاندوی، خاد و ارگان های دیگری که اوضاع آن منطقه حکم نماید، میباید.

وظایف قرارگاه ها یک کامپلکس وسیع است. مجتمعی از امور است. این با یک و دو و سه شمرده نمیشود. وظایف قرارگاه ها حکم میکند که حزبی ها و تمام نماینده گان وزارتخانه ها از قرارگاه اطاعت کنند. باید توجه کرد که در عین تأمین سنترالیزم، رهبری دسته جمعی و کلکتیف است که مظهر دموکراسی داخل حزبی به شمار میرود. به این ترتیب یکی از وظایف مبرم قرارگاه عبارت از این است که امنیت را در منطقه شامل صلاحیت و مسؤولیت خویش تأمین کند، اول امنیت مردم را.

رفقا!

امروز خواست سوزان مردم ما از انقلاب، از حزب و دولت کدام است؟ فقط بالفعل مردم یک شعار دارد: تأمین حق زنده گی، حق زنده گی برای خانواده و فامیل، حق حفظ شرف، ناموس، اولاد، زن و فرزند. هرگاه ما به این خواست اولی و طبیعی مردم خود پاسخ مثبت ندهیم، پس چرا انقلاب کرده ایم؟ حق مردم ما اینست که ما به آنها نزدیک شویم، به ده ها و قریه ها برویم، به علاقه داریها و ولسوالی ها برویم، از شهر ها به ده ها، شعار ما باید این باشد:

«از شهر ها به طرف ده ها!» (کف زدن ها) عکس شعار مائونیست های مرتد که میگفتند «از ده ها به طرف شهر ها!» در شهرست که مراکز کارگریست، مراکز صنایع، روشنفکری و تجارت است و تا حدودی هم مصونیت. به این ترتیب ده های ما حقی بالای ما دارد، از شهر به ده باید رفت. اینست شعار فاز جدید ما. حل مسایل اقتصاد ملی در سراسر کشور، در هر ولایت و زونهای تحت مسؤولیت از جمله مسایل اساسی است. ما باید بر اساس فیصله پلینوم دوازدهم، اقتصاد ملی را در عرصه های صنعت، زراعت، تجارت و غیره احیا کنیم. در سال آینده ما باید سیاست تعرضی احیای اقتصادی را به سر انجام برسانیم. در عرصه اقتصاد ملی، ما بخصوص به عرصه زراعت تأکید میکنیم. شما رفقا مسؤولین زونها، منشی های کمیته های حزبی، والی ها مسؤولیت درجه اول دارید تا به کمک قوای مسلح و سازمانهای اجتماعی در یک فضای هماهنگی و کوردیناسیون به طرف اصلاحات ارضی و آب مارش کنید. این شعار جدی دیگر ماست که برنامه عمل ما، پلینوم های کمیته مرکزی و فیصله های حزب به ما دستور میدهد.

در کنار رشد صنایع، باید تعقیب پروسه سریع و بدون شتاب، بدون ماجراجویی چپ و راست، بدون اپورتونیزم چپ و راست، **جبهه اصلاحات ارضی و آب را پیش ببریم و در پهلوی بسط و توسعه** سازمانهای اجتماعی که پایگاه اجتماعی دولت، حزب و انقلاب ما را در میان مردم تشکیل میدهد و جبهه ملی پدروطن را که از طریق آن اکثریت توده های مردم ما در اداره دولت آزادانه شرکت میکنند، تقویت نماییم. ما باید دموکراسی واقعی، نه دموکراسی بورژوایی، را تحقق بخشیم که هزاران

بار دموکراتیک تر از دموکراسی های غربی است. در پهلوی این کارها نکته بی که باید به آن توجه کرد و به موازات دیگر وظایف، مسأله بی که هم از لحاظ پرنسپ و هم از جهت اصول مرامی و ایدئولوژیک ما و هم از لحاظ سیاسی و آزادی خلقها اهمیت بس مهمی دارد، حل مسأله ملی و فرهنگ های ملی کشور است.

در افغانستان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک هنوز طبقه کارگر و دهقان زحمتکش و روشنفکران از تشکل لازم طبقاتی برخوردار نیستند ما به مفهوم جبهه ملی بدروطن اقشار و طبقات مختلف اجتماعی را بسیج کرده ایم. درین مرحله تاریخی انقلاب یعنی مرحله انقلاب دموکراتیک و ملی از کارگر تا روحانی وطنپرست حتی سران با اعتبار قبایل که وطنپرست باشند و از انقلاب ما نائید و پشتیبانی کنند و در برابر تجاوزات رژیم نظامیگر پاکستان و علیه ارتجاع ایران برزمند، هم درین جبهه ما شامل اند. اما، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی هم شامل این جبهه اند و ما باید جبهه دوستان را وسیعتر سازیم، تا دشمن را کوچک و محدود بسازیم و آنرا تجرید کنیم. ازین جهت ما مشی موجود انقلاب ملی و دموکراتیک را تدوین کردیم، درین مرحله انقلاب، این ستراتیژی و تاکتیک ماست، یعنی علم و فن رهبری توده ها در تحت رهبری طبقه کارگر با پیشاهنگی حزب طبقه کارگر. اگر این اصل دیالکتیکی را در تمام امور جنگی، انقلابی، سیاسی و دیگر عرصه ها و در برخورد با مردم به کار بندیم و هرگاه این مسأله را از لحاظ تیوری انقلابی عمیق درک کنیم، میتواند برای ما قطب نمایی برای تمام مسایا باشد. لذا نباید فراموش کرد که اندیشه و فکر ما باید از موضع پرولتاریا یعنی طبقه کارگر جوان افغانستان باشد، در غیر آن ما در طرح مسایل به طرف انحراف ایورتونیزم راست یا به طرف انحراف ایورتونیزم چپ و رویونیوم راست و یا چپ کشانیده خواهیم شد. یکی از انحرافات، ناسیونالیزم است که این انحراف بسیار وحشتناک میباشد. لنین میگوید: که ما میتوانیم در یک جامعه بدون طبقات زنده گی کنیم، لیکن هنوز هم بقایای عادات خرده بورژوازی، در وجود ناسیونالیزم و زبان خود را تبارز میدهد. به این جهت باید ازین مسأله درک درست مارکسیستی-لنینیستی داشت در غیر آن مرتکب اشتباهات میشویم، بعض خرده گیری هایی که در حزب وجود دارد، وحدت حزب را تضعیف میکند و یکی از عوامل عمده آن فقر تیوری است. عدم درک و قضاوت از موضع طبقاتی پرولتاریاست، بدینگونه است که یا به طرف نشنلیزم پشتون می لغزیم یا به نشنلیزم تاجک، محلی پرستی ازبک، ترکمن، هزاره، بلوچ، نورستانی، پشه بی و غیره و غیره، برای اینکه شما اعضای حزب به چنین انحرافات مواجه نشوید، باید بر علایق پرونشلیزم یعنی ولایتی خواهی از قبیل به اصطلاح قندهار بزرگ، یکتیای بزرگ، شمال و شرق یعنی پارچه پارچه کردن افغانستان غلبه نماییم و اگر به حیث یک انقلابی و یک وطنپرست بیندیشیم این مسایل حل میشود. لذا در برابر این امراض در داخل حزب باید مبارزه نمود و عمدتاً کسانی که در اطراف و ولایات مؤظف

میشوند بخصوص در قرارگاه ها باید از لحاظ درک تیوری، از لحاظ فهم دقیق وظایف مجهز شوند، آنان باید تمام این حقایق را بفهمند در غیر آن مرتکب اشتباهات سهمگین در سرنوشت حزب و انقلاب ما میگردند. بدترین بلای دیگر ما ناسیونالیزم قبیله پی، ناسیونالیزم فیودالی است. این هم ناشی از شرایط کشور ماست.

لذا رفقای مسؤول سه رکن قوای مسلح توجه کنند که عدم توازن بر اساس مصالح ملی وحدت خلقهای افغانستان و برخورد نادرست در قوای مسلح ما موجود است که وقتاً فوقتاً مظاهر آن آشکار میگردد. درین قسمت وظیفه کارکنان سیاسی سه رکن قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان است که باید از لحاظ تیوری و ایدیالوژی برای وحدت و همبسته گی اردوی ما و قوای مسلح ما کار پیگیرانه انجام دهند، این وحدت و همبسته گی و دسپلین نمیتواند ابستراکت و مجرد صورت گیرد و تأمین گردد. اینها پایه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدیولوژیکی دارند. لذا در شرایط انقلاب ملی و دموکراتیک یکی از وظایف قرارگاه ها برخورد درست به مسأله ملی، فرهنگهای ملی و زبان های کشورست. البته رهبری آگاهی دارد که تناسب نفوس در کشور چگونه است. ما تمام مسایل و مطلب را در نظر خواهیم گرفت. به این نسبت در آن زونها بیشتر موفق خواهیم بود که برخورد درست در قبال مسأله ملی و فرهنگ ها با در نظر داشت مذهب، عنعنات و رسوم مردم همان منطقه صورت گیرد، در غیر آن ما توده ها را در اطراف حزب، دولت و انقلاب نمیتوانیم متشکل سازیم و سازمان دهیم و علیه دشمن آنها را بسیج کنیم. عدم توجه به این مسایل حزب، دولت و انقلاب را از مردم تجرید میکند و در نتیجه آن فاجعه تراژیک دوباره رخ خواهد داد. سعی شود از لحاظ سیاسی، از لحاظ حزبی و دولتی، از لحاظ سازمانی و اداره تناسب ترکیب ملیت ها در همه امور حزبی و دولتی تا حدود ممکن که کار اجازه میدهد، در نظر گرفته شود. در این صورت مردم به شما اعتماد خواهد کرد.

در اجلاس شورای انقلابی که عنقریب دایر خواهد شد، قانون با اهمیتی به نام **قانون ارگان های محلی قدرت دولتی و اداره** یا بهتر بگوییم **حاکمیت خلق** تکمیل و تصویب خواهد شد و این میتواند که برای قرارگاه های ما بهترین رهنمای عمل باشد، از آن هم باید استفاده کرد. وقتیکه از دموکراسی واقعی و حاکمیت خلق سخن میگوییم واقعاً باید دموکراسی برای مردم را مستقر سازیم، حکومت های محلی را بر اساس اراده خود مردم در سطح ده، علاقه داری، ولسوالی و ولایت ایجاد کنیم تا بتوانیم در پایان بنابر اوضاع و احوال و شرایط به کمک شما رفقا لویه جرگه افغانستان را تأسیس کنیم و به جهان عملاً نشان دهیم که در شرایط دموکراسی مردمی، زحمتکشان از منافع اساسی انقلاب در برابر ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم قاطعانه دفاع میکنند.

رفقا!

در باره کار در میان اقشار و طبقات خلق تذکراتی داده ام که خطوط کلی آن در برنامه عمل و اسناد حزبی و دولتی ما علماً تدوین شده است. باز تکرار میکنم که حل مسأله ملی و فرهنگ های ملی بر اساس حقوق متساوی و برادرانه صرفاً با انفاذ قانون نه، بلکه به صورت واقعی با رشد پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک امکان پذیر است.

رفقا!

همه این مطالب و وظایف را کدام نیرو باید انجام دهد؟ تمام این وظایف را که نکات مهم آن خاطرنشان گردید، صرفاً باید حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحقق بخشد. لذا حزب باید نیرومند شود و قادر باشد به نماینده گی و پیشاهنگی طبقه کارگر، خلق و انقلاب را رهبری کند. فقط چنین حزبی است که میتواند این آرمان ها را تحقق بخشد. کدام حزب از کدام طراز؟ حزبی از طراز بلشویک ها، حزب طراز نوین لنینی، حزبی که سرنوشت جهان را از بیخ و بن دگرگون ساخت و در وجود انقلاب اکتوبر با آسمان ها یورش برد. در شرایط کشور ما چنین حزبی باید رشد و تکامل کند. ما چنین حزبی می خواهیم.

خوب رفقا! کلمه فاز نو همان گونه که در جلسات حزبی در باره آن مفصلاً صحبت نمودیم نباید هیچگونه سوء تفاهمی را ایجاد کند. وقتی ما مرحله نوین انقلاب ثور میگوییم منطق کاملاً جداگانه یی دارد. مرحله نوین و تکاملی انقلاب پروسه واحد تکامل انقلاب ثور است. اما نباید که به شکوه انقلاب ثور، انقلاب رهایی بخش خلق افغانستان کم بها داده شود. انقلاب ثور به بهای خون بهترین فرزندان کشور ما به پیروزی رسیده است. (کف زدن ها) ما کسانی را که رهبران صادق حزب ما بودند و خوشبختانه زنده استند و اینجا تشریف دارند و یا سابقه داران حزبی خود را که در کنگره اول حزب ما حضور داشتند، هرگز فراموش نمیکنیم.

فاز نوین یک چرخش عظیم و قاطع است. فاز نوین مرحله بهبود و اصلاح اسلوب کار انقلابی حزبی و دولتی است. روش نوین انقلابی حزب و دولت است. محتوای فاز نوین، اصلاح بنیادی و اساسی حزب از بالا تا به پایین، از پایین تا به بالا در طول، عرض، عمق، همه جانبه و به طور بلا استثناست. به عباره دیگر فاز جدید، انقلابی است در حیات حزبی و دولتی ما به خاطر به سر انجام رسانیدن پروسه انقلاب ملی و دموکراتیک و تأمین صلح و امنیت در داخل کشور. محتوای فاز نوین، تحکیم تقویت و نیرومندی وحدت حزب و تأمین و تعمیم دسپلین و انضباط آهنین حزب به سبک لنین میباشد که با تاکید میگفت اگر حزب بلشویک ها یک حزب یکپارچه و واحد نمی بود، فکر، اراده و عمل شان متحد و واحد نمی بود و دسپلین سرسخت و آهنین در حزب بلشویک ها وجود نمیداشت ما نمیتوانستیم جامعه روس را دگرگون سازیم یا چهره جهان را از لحاظ شکل و مضمون تغییر دهیم. اینست مفهوم فاز نوین. لذا در طرح ها و تزاها محتوای فاز نوین که در بیروی سیاسی

مطرح شده و در جلسات دیگر پیرامون آن صحبت شده مسأله بهبود زنده گی مردم ما و انقلاب و مسأله وحدت حزب و اینکه وحدت حزب بدون دسپلین آگاهانه امکان پذیر نیست، تنظیم و تدوین شده است. اجرای وظایف انقلابی در جهت هدف ستراتیژیک و حل مسایل اقتصاد و فرهنگ ملی و مسایل دیگر مستلزم دسپلین است. هدف، دسپلین میکانیکی مصنوعی، ایجاد اتوریته مصنوعی رهبران نیست. هدف از دسپلین کیش شخصیت نیست. ما بر اساس رهبری دسته جمعی و نورم ها و موازین اساسنامه، برنامه عمل و بر اساس اصول و احکام مارکسیستی-لنینیستی در شرایط افغانستان عمل میکنیم. لنین میگفت که اطاعت از مرکز یک اصل عمده دسپلین و وحدت است. هرکسیکه از مرکز حزبی اطاعت نمیکند باید بصورت قطع از حزب اخراج شود. اینست راه ما. وظیفه جدی بیروی سیاسی است که در مورد انتخاب و تعیین کادرها توجه جدی و با مسؤولیت بنماید. ما این نقیصه را از لحاظ نومنکلاتور باید رفع کنیم. ما باید به تمام رفقای حزبی، به نسل جوان حزبی و به کادر های جوان حزبی ملکی و نظامی که بیش از شصت فیصد قوای مسلح را تشکیل میدهند توجه کنیم. مسؤولین حزبی ما باید با جرأت، بدون اینکه از استعداد ها بترسند که مبادا مقام آنها را بگیرند کادرهای خود را چه در عرصه ملکی و چه نظامی بیرون بکشند و حتی الوسع کوشش کنند که منشای طبقاتی آنها را جداً در نظر بگیرند. ما باید فرزندان زحمتکشان، کارگران و پرولتر های ده را هرچه بیشتر مجال و فرصت کار و تعلیم و تحصیل بدهیم تا تمام دستگاه های حزبی و دولتی ما در مرکز و ولایات واقعاً از بیخ و بن کارگری و پرولتریزه شود. اینرا نباید سطحی گرفت.

راجع به مسأله کوردیناسیون و هماهنگی بحث کردیم که در فاز جدید بهبود کار، باید همکاری را جداً در نظر گرفت. باید یکی ممد و مکمل دیگر باشد، باید اعتماد کرد. روح اعتماد را باید در حزب تقویه کرد. بدون اعتماد کسی حاضر به قربانی و فداکاری نیست. دیروز ما درین عرصه نواقصی داشتیم. در زمینه اعتماد و بیرون کشیدن کادر ها ملاک های انحرافی داشتیم. بعد ازین چنین نباید باشد باید عینی بر اساس لیاقت، شایسته گی، و وفاداری، کرکتر و بر اساس قدرت کار، اشخاص را برجسته سازیم و بالا بکشیم و حتی غیرحزبی ها را جلب کنیم.

مسأله جدی دیگر اینکه تا کنون احساس مسؤولیت در حزب ما ضعیف بوده است فاز جدید حکم میکند که ما باید احساس مسؤولیت را ارتقا بخشیم، نه تنها احساس مسؤولیت، بلکه حس وظیفه شناسی و وطنپرستانه انقلابی را در حزبی ها، غیر حزبی ها و در مردم ایجاد کنیم. آنچه بسیار مهم و جدی است مسأله یی است که لنین بر آن تأکید میکرد: مسأله پاک و منزله نگهداشتن حزب از هرگونه عناصر نامطلوب و منحرف. رفقا! آنچه که ما در آینده قدم به قدم آنرا تحقق خواهیم بخشید اینست که حزب را از عناصر نامطلوب، منحرف، فرکسیون باز، مقام پرست، خود خواه، جاه طلب، محفل باز و مخرب تصفیه کنیم، پاک سازیم و منزله نگهداریم (کف زدن ها). ما باید بر اساس اصول و موازین

فاز جدید، استعداد و ابتکار را در تمام اعضای حزبی رشد دهیم و مجال و فرصت را برای شان فراهم سازیم. باید اعضای حزب با قبول مسئولیت و با شجاعت و دلاوری ابتکار را چه در جبهه جنگ گرم و چه در جبهه اقتصاد، چه در سایر مسایل کشور، در خود رشد دهند. انسان بدون ابتکار یک پرزه ماشین بیجان، بیروح و میکانیکی است. ما باید سازماندهی کار را بهبود بخشیم، میتود ها و اشکال نوین کار را فرا گیریم و کنترل و نظارت بر کسانی را که مسؤول اند، ارتقا بخشیم. وقتی ما میتوانیم وظایف خود را تعقیب کنیم که به وقت و زمان از فیصله های خود و تطبیق آن کنترل و نظارت همیشه گی و پیگیر داشته باشیم. من به شکل مؤجز و فورمولبندی شده خاطر نشان میسازم که ارتقای سطح مطالبات، تقاضا ها و کنترل از آن اهمیت درجه یک دارد. اگر ضعف و نواقص در کار وجود داشت، اجرا کننده باید متوجه ساخته شود. یکبار اخطار و جزا های دیگری که در اساسنامه پیشبینی شده است به آنها داده شود. هرگاه با وجود آگاهی، اعمال چندین بار تکرار شود، شخص مورد نظر باید از حزب و دولت اخراج شود.

رفقا! تمام پندار، گفتار و کردار اشخاص حزبی در هر مقامیکه هستند با تمام خصوصیات و کرکتر آنها نزد مقامات موجود است. ما دیگر به تکرار تجربه گذشته در کشور اجازه نمی دهیم. درین مورد میتود ما انسانی است، اصل تجدید تربیت و کمک به افراد است که در لجنزار سقوط نکنند. ما دست خود را به سوی آنها دراز میکنیم، سعی میکنیم که آنها را از لجنزار نجات دهیم. لیکن هرگاه بفهمیم که ما را هم به لجن میکشانند، دست خود را قطع میکنیم. اینست میتود در روش نوین انقلابی و جوهر فاز نوین در تکامل حزب طراز نوین لنینی.

اینکه ما در شرایط و اوضاع انقلاب و جنگ کوشش میکنیم با همه نیروها در مفاهمه باشیم ناشی از ضعف ما نیست، ناشی از قدرت ماست. باید علیه توطئه ها، ماجراجویی ها و تبلیغات سوء در داخل و خارج حزب مبارزه جدی صورت گیرد. ما باید به حیث مهمترین مسأله فرا گیریم که چگونه با مردم در آمیزیم و با آنها پیوند حاصل کنیم، این امر جدی است. شعار ما بسیج همه نیروها در پیوند با خلق است. در فاز جدید غلبه بر تمام دشواریها شعار ماست. ما با جرأت، شهامت و دلیری علیه مشکلات میرزمیم، به پیشواز دشواریها، پرابلم ها و مشکلات می شتابیم (کف زدن ها). ما علیه هرگونه بهانه تراشی، تعلل و ضعف میرزمیم و به صورت استوار، با ثبات، بدون وقفه و پیگیر در کادر اصول بدون ماجراجویی، بدون جهش از مراحل تکامل، قدم به قدم با سرعت و سلامت به پیش میرویم. (کف زدن ها)

تحت درفش وحدت حزب دموکراتیک خلق افغانستان رفقا به پا خیزید! (کف زدنهای ممتد با هورا ها، همه به پا می خیزند)

رفقا!

بگذار یکبار دیگر آن طوری که در کنگره مؤسس و اول حزب دموکراتیک خلق افغانستان گفتم، امروز بنا بر اهمیت قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان در این جلسه به پیشگاه رنج های خلق خود، به پیشگاه درفش ملی خود، به پیشگاه حزب خود، به پیشگاه محراب وطن، به پیشگاه رنج های بیکران خلقهای ستمدیده افغانستان که شعار اولی حزب ما بوده، به مثابه انترناسیونالیست های واقعی، وطنپرستان پرشور انقلابی با شرف و وجدان خود تجدید پیمان و تعهد نماییم آنچه را که امروز گفته شد در شرایطی که درست و اصولی باشد و حتماً هست و بخصوص به خاطر وحدت حزب ما، به خاطر خون پاک شهدای جوان ما که درین راه قربان شده اند دیگر خودرا، قلب خودرا، مغز خودرا پاک بسازیم و به درفش وحدت حزب خود، یک بار دیگر قسم یاد کنیم و تعهد بسپاریم، و بگوییم قسم میخوریم و تعهد میسپاریم! (قسم میخوریم و تعهد میسپاریم!).

در اخیر با توصیه های لنین صحبت امروز خودرا خاتمه می بخشیم که می آموخت:
"حزب تنها در شرایطی میتواند نقش پیشاهنگ را ایفا نماید که با وحدت اراده و عمل و جدی ترین و سخت ترین دسپلین حزبی جوش خورده باشد."

رفقا!

حزب در پیوند با خلق، عقل، افتخار و شرف انقلابی ماست، رفقا، باید سر مشق کار های ما در فاز جدید بدون کوچک ترین تردید، راه نجاتبخش و اصول والای لنینی باشد. **رفقا!** در راه لنین، در راه میتود و اسلوب انقلابی لنینی در کشور انقلابی ما جمهوری دموکراتیک افغانستان، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بی امان، بی ترس، و بیهراس به پیش!
(کف زندهای پر شور با هورا ها)

• تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضل

• تکیه ها از «اصالت» است

سه شنبه، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۰

هر نوع استفاده و نقل قول از «سخنرانی شفاهی ببرک کارمل در جلسه وسیع هیأت رهبری و قوماندانان قوای مسلح ج.د.ا. ۱۸. جدی ۱۳۶۲» صرف با ذکر منبع و نام سایت «اصالت» مجاز است!

www.esalat.org